

متن پرسش

سلام علیکم و رحمة الله: با عرض ارادت خدمت استاد عزیز و بزرگوارم (حضرت استاد طاهر زاده). بنده تا به امروز بیش از ده جلد از کتب شما رو دقیق مطالعه و نسبت به اونها تفکر کردم و نسبت به فلسفه اسلامی چند سال هست مطالعه دارم ولی این چند سال موضوعی که بسیار بسیار ذهن بنده رو مشغول کرده و نسبت به اون به نتیجه یقینی عقلی نرسیده ام بحث (فقیر بودن عالم طبیعت و ماده است) یا (واجب الوجود بالذات نبودن عالم ماده است) چرا که تعداد براهینی که در کتب مختلف فلسفی و کتب شما و دیگران و اسفار دیده ام بسیار بسیار ذهنی می باشد و احساس می کنم راه به خارج باز نمی کند. به عبارتی نمیتونم اونها رو قبول کنم مثلا کتاب (از عرفان تا برهان) که چند برهان برای اثبات وجود فقری عالم طبیعت آوردید. و شرح دادید اشکال وارد هست و یا باز بعضی هاشون ادعا هستن و نیازمند اثباتند که چون مثلا این سنگ اینجا هست ولی اونجا نیست این یعنی محدودیت و فقیر هست عین الوجود نیست خب این یه مقدار ذهنی و خیالی نیست؟ بقیه براهین هم تقریبا در کتب مختلف اومده همینقدر خیالی و ذهنی به سختی راه به خارج باز میکنن به طور مثال شرح منظومه حضرت امام در اثبات برهان فقری فرموده چون ذره قابل تقسیمه و هر جزئی از دیگری بی خبر هست و خبر نداره فلذا نیازمند هست و یا کتاب دروس معرفت نفس علامه حسن زاده باز هم مطالعه می کنم بعضی براهین ادعا هستن و نیازمند اثباتند و یا مغالطه شده و یا اشکالاتی وارد هست و نیازمند به جواب و دفاع می باشد علی ای حال اگر راهنمایی کنید و بفرمایید اشکال بنده از کجاست و از چه راهی و شیوه ای پیش برم که نسبت به این براهین به یقین عقلی برسم دعا گوی و مدیون شما هستم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال این انسان است و عقلی که باید به میان آید و نسبت به حقایق عالم و بودن و نبودن آنها نظر دهد و هر کلامی را اگر تصدیق کرد، ما کلام واقعی می دانیم. آری! و پس از آن این قلب است که باید آنچه عقل بدان خبر داد را در وجود خود احساس و تصدیق کند به همین جهت فرموده اند: «عقل می گفت که دل منزل و مأوای من است / عشق خندید که یا جای تو یا جای من است» حاکی از آنکه به هر حال ما تنها با عقل انتزاعی و استدلالی نمیتوانیم تا آخر، خود را ادامه دهیم مگر آنچه آن عقل از آن خبر داد، دل یا قلب آن را احساس کند. موفق باشید

